



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

The background of the page is a historical painting. It shows a battle scene with several soldiers in dark, traditional attire. One soldier in the foreground is running towards the right, carrying a spear. Other soldiers are visible in the background, some appearing to be in a state of retreat or combat. The overall atmosphere is hazy and yellowish, suggesting a dusty or smoky battlefield.

مبانی رفتار دفاعی ایران

در  
جنگ ۸ ساله

نویسنده: قدرت الله قربانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله

نویسنده:

قدرت الله قربانی

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	آموزه های دینی
۹	آموزه های ملی
۱۰	انقلاب اسلامی
۱۲	ماهیت تجاوز عراق
۱۳	جایگاه ایران در نظام منطقه ای و بین المللی
۱۵	جایگاه ایران نسبت به قدرت های جهانی
۱۷	نگرش جمهوری اسلامی ایران به سازمان های بین المللی
۱۹	نتیجه گیری
۱۹	پاورقی
۲۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله

### مشخصات کتاب

عنوان: مبانی رفتار دفاعی ایران در جنگ ۸ ساله

نوع مقاله: عمومی

نویسنده: قدرت الله قربانی

ناشر: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

موضوع: قدرت دفاعی ایران

### مقدمه

تهاجم عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ که هشت سال به طول انجامید، در شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، نظامی و منطقه‌ای صورت گرفت. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و متلاشی شدن نظام امنیت منطقه‌ای، خلا قدرت در منطقه آشکار شد و رژیم عراق نیز با استفاده از این فرصت به تقویت توان نظامی خود پرداخت؛ زیرا، احساس می‌کرد که شرایط لازم برای پذیرش رهبری جهان عرب در عراق و منطقه فراهم آمده است. البته، گرایش قدرت‌های منطقه‌ای، و جهانی در حمایت از این کشور و احساس خطر از جانب تحولات ایران این تصور را دامن می‌زد. به عبارت دیگر، مجموعه تحولات دوران انقلاب و بعد از آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، عراق را به این نتیجه رساند که با حمله به ایران می‌تواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد. در التهابات سیاسی و انقلابی سال ۱۳۵۹، رفتارهای متفاوتی از ایران مشاهده می‌شد و شرایط سیاسی، اجتماعی و نظامی خاصی بر آن حکم فرما بود. در این کشور، بعد از سال‌ها مبارزه انقلابی با رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی و مذهبی با هزینه فراوانی به وقوع پیوسته و دگرگونی‌های داخلی و خارجی فراوانی را موجب شده و عکس‌العمل‌های متفاوتی را برانگیخته بود که ناظران خارجی براساس زمینه‌های ذهنی و منافع کشور خود و زاویه نگاهشان، برداشت‌های متفاوت و گاه متضادی از آن داشتند. ملاحظه اجمالی شرایط سیاسی، اجتماعی و نظامی جامعه ایران و عراق و برداشت‌های زمامداران بغداد نشان می‌دهد که عراق برای بهره‌برداری از شرایط موجود، حمله به ایران را گزینه مناسبی یافته و خود را آماده آن کرده بود، در حالی که در ایران، به دلیل همین تحولات در ارکان سیاسی و نظامی، نه تنها زمینه برای اقدام نظامی فراهم نبود، بلکه آمادگی دفاعی برای رویارویی با اقدام نظامی خارجی نیز با مشکلات شدیدی روبه‌رو بود. بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که رفتار دو کشور تفاوت بسیاری با یکدیگر داشت.

در این مقاله، با بیان جنبه‌هایی از رفتار تهاجمی عراق، مبانی رفتاری ایران در مقابل این کشور بررسی خواهد شد تا مشخص شود که نحوه رفتار ایران در مقابل تهاجم عراق، بر اساس چه اصول و متأثر از چه متغیرهایی بوده است و این متغیرها تا چه حد در رفتار دفاعی ایران نقش داشته‌اند. فرضیه این تحقیق بر این پایه استوار است که مبانی رفتاری ایران در طول هشت سال جنگ به ترتیب بر اصول کلی زیر استوار بوده است: (۱) آموزه‌های دینی؛ (۲) آموزه‌های ملی؛ (۳) انقلاب اسلامی؛ (۴) ماهیت تجاوز عراق؛ و (۵) شرایط خاص نظام بین‌الملل.

### آموزه‌های دینی

آموزه‌های دینی ایران شامل تعالیم اسلام در قالب قرآن و احادیث و اندیشه‌های متفکران اسلامی و بنیان‌گذار نظام اسلامی، امام

خمینی (ره) است. قرآن کریم به عنوان منشور مسلم جوامع اسلامی به مواردی مانند جهاد؛ دفاع و حرب؛ و اهمیت دفاع از خود، قوم، کشور و سرزمین بسیار توجه می‌کند و مبارزه با دشمن متجاوز را جهاد اصغر می‌نامد؛ جهادی که بر هر فرد مسلمانی واجب و لازم است. در واقع، در نظر قرآن و اسلام، جهاد تلاش و کوشش هر فردی در راه خدا و مبارزه با دشمن مهاجم و به عبارتی دفاع مقدس است که برای دفع دشمن خارجی و تبلیغ دین، مبارزه با دشمنان دین، نجات ستمدیدگان، مبارزه با مفسدین و غیره لازم می‌باشد.

در این رابطه، می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

(۱) و قاتلو فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تقتلوا ان الله لا یحب المعتدین (۱) (در راه خدا با کسانی که با شما مبارزه می‌کنند، نبرد کنید، ولی هرگز راه ستم را پیش نگیرید که خداوند ستمگران را دوست ندارد).

(۲) اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر (۲) (به کسانی که با آنان نبرد می‌شود اجازه داده شده کارزار کنند؛ زیرا، مورد ستم واقع شده‌اند و مسلماً خدا به یاری آنها تواناست).

(۳) و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الوالدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذا القریه الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا (۳) (چرا در راه خدا و در راه آن عده از مردان و زنان و کودکانی که ناتوان و بیچاره‌اند جهاد نمی‌کنید؟ آنان می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردم آن ستمگرند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی معین کن و از خود ما برای ما یاری قرار بده).

این آیات و آیات بسیار دیگری بر لزوم دفاع در مقابل تهاجم خارجی، حفظ حدود، ثغور، و دفاع از جان و مال مسلمانان و در نهایت، دفاع از عقیده در راه خدا تأکید فراوان کرده و آن را از مهم‌ترین وظایف تمامی مسلمین دانسته‌اند.

تأثیر این آیات در جریان جنگ، در نام عملیات‌ها، شعارهای جبهه، سخنانی‌های فرماندهان نظامی و سیاسی و در تمامی تعابیر عمومی آحاد مردم مشهود بود، برای نمونه، به کاربردن آیات نصر من الله و فتح قریب، اذاجاء نصرالله و الفتح، انا فتحنا لک فتحاً مبیناً و قاتلوه‌م حتی لا تکن فتنه نحوه رفتار متأثر از آیات قرآن را نشان می‌دهد در واقع، این آیات علت و عظمت پیروزی‌های به دست آمده از عملیات‌ها، ادامه جنگ، لزوم مقاتله با دشمن و عدم سازش با آن را تبیین و وظایف رزمندگان ایران برای ادامه مبارزه و مواردی شبیه به آن را بیان می‌کردند. هم چنین، تعیین نام عملیات‌ها مانند والفجر، فتح المبین، بدر، خیبر، مرصاد و غیره کلمات و الگوهای برگرفته از قرآن بود که در رفتار نیروهای ایرانی تأثیر بسزایی داشت.

افزون بر قرآن، در برخی از احادیث ائمه معصومین و سیره آنان نیز اهمیت دفاع از سرزمین خود در مقابل تهاجم خارجی دیده می‌شود. برای نمونه، حضرت علی (ع) در اهمیت جهاد می‌فرماید: > جهاد دری است از درهای بهشت که خدا آن را برای بندگان مخصوص و برگزیده‌اش گشوده است، جهاد پوشش پرهیزکاری و زره محکم و مقاوم خدایی و سپر قابل اطمینان خداست، کسی که جهاد را به حالت سرپیچی و اعراض ترک کند خداوند بر او لباس خواری می‌پوشاند و زندگی چنین کسی با گرفتاری‌ها و سختی‌ها پوشیده می‌شود و به خفت و زبونی و بیچارگی کشانده شده و بر دلش مهر بی‌خردی و سبکسری زده می‌شود و حق از او برگردانده می‌شود به خاطر این که جهاد را ضایع نموده است و ناگزیر به سستی محکوم و از انصاف و عدالت محروم خواهد بود. (۴<)

با توجه به سخنان مزبور روشن می‌شود که در لسان ائمه، جهاد و جنگ با دشمن امری ضروری و در عین حال فیض بزرگی است که غفلت و سرپیچی از آن گناه سختی به شمار می‌رود؛ زیرا، سرنوشت جامعه مسلمانان در گرو حفظ حدود و ثغور کشور اسلامی از شر دشمنان است. از همین رو پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: > جنگ و ایستادگی در برابر دشمن مایه مجد و عزت است، جنگ نماینده تا مجد و عزت و آزادی را به اولاد خود به ارث بگذارد. (۵<)

رواج و گسترش احادیث ائمه در گفتار و سخنان مسئولان کشور، فرماندهان نظامی و رزمندگان؛ گسترش ادعیه ای مانند کمیل، ندبه، زیارت عاشورا و غیره؛ انتخاب نام عملیات ها از نام معصومین؛ و الگو قرار گرفتن شیوه و سنت ائمه ای چون حضرت علی و امام حسین، به ویژه راه اندازی مراسم مداحی و عزاداری حضرت اباعبدالله، در شکل دهی و تقویت رفتار دینی نیروهای رزمنده نقش ویژه ای را ایفا می کرد؛ نقشی که نتایج بسیار مهمی را نیز به دنبال داشت.

در نظام جمهوری اسلامی، مبانی دفاعی کشور بر اساس اصول دینی اسلام تدوین و از جانب امام خمینی (ره) بیان شده است. البته، قانون اساسی هم، بر حفظ استقلال، تمامیت ارضی، به ویژه حفظ مرزهای سیاسی و عقیدتی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید ویژه ای کرده است. (۶)

امام خمینی (ره) با الهام از تعالیم قرآن و سیره و سنت ائمه اطهار در مقام کسی که بنیان گذار نظام اسلامی و تبیین کننده نظری آن است، ضمن تفکیک جنگ طاغوتی از جنگ توحیدی، جنگ های پیامبران را جنگ های توحیدی می داند که برای گسترش عدالت و حرکت به سوی صراط مستقیم و خداست. (۷) هم چنین، جنگ را تنها در شکل جهاد برای خدا و دفاع از کیان مملکت اسلامی می پذیرد و می گوید که قیام تنها باید برای خدا باشد و تنها قیام و جهاد توحیدی والهی ثمره الهی دارد. امام (ره) با مبنای فکری اسلامی در برخورد با تهاجم عراق به ایران با سخنان و عمل خود چند اقدام مهم را انجام دادند:

(۱) معرفی جنگ ایران و عراق به عنوان جنگ اسلام و قدرت های بزرگ (شیاطین)؛

(۲) تعبیر دفاع مقدس از دفاع ایران در مقابل عراق؛

(۳) معرفی صدام به عنوان مهره و عامل شیاطین؛

(۴) تلاش برای حفظ انسجام داخلی؛ و

(۵) ارائه روشنگری هایی برای مردم عراق.

ایشان در بیان این که جنگ تحمیلی جنگ بین اسلام و دشمنان اسلام است، می گویند >: تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را، کشته بشویم هم تکلیف را عمل کردیم ... شما برای حفظ اسلام دارید می جنگید و او برای نابودی اسلام، الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است. دفاع یک امر واجب است بر همه کس و به هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع کند از اسلام. <۸ ایشان با تأکید بر ملت ایران می فرمایند بر این ملت است در مقابل جنگی که بر او تحمیل شده است به دفاع برخیزد؛ زیرا دفاع حق مشروع و مسلم این ملت در مقابل متجاوز است به بیان امام خمینی >: به همه مسلمین واجب است که با او قتال کنند، شما به یک واجب الهی عمل بکنید... به همین یک واجب که خدا امر فرموده است به شما و به همه مسلمین که اگر چنانچه یک طایفه ای از مسلمین به طایفه ای دیگر تجاوز کرد باید با او مقاتله کنید. (<۹)

امام خمینی (ره) از طرف دیگر به معرفی ماهیت حقیقی صدام به عنوان اصلی ترین عامل این تجاوز اشاره می کنند و او را ضمن قدرت طلب بودن، مهره استکبار می دانند که سرنوشت جامعه اسلامی را به خطر افکنده است. بدین ترتیب، ایشان در صددند، ماهیت صدام را به ملت ایران و عراق و دیگر جهانیان معرفی کنند >: یک حرفی که با ارتش عراق دارم این است که ارتش عراق با کی جنگ می خواهد بکند؟ طرفدار کی هست و مخالف کی؟ طرفدار صدام است که اشتراکی است و کافر است ... [صدام] با اسلام اصلاً دشمن است این ارتش عراق باید بداند که این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر، که هم خود صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است. (<۱۰) بنابراین، ملاحظه می شود آموزه دینی ایران که از اسلام، قرآن و سیره معصومین نشأت گرفته بود و در کلام رهبر نظام اسلامی، تجلی پیدا می کرد؛ به منزله یکی از مهم ترین مبانی رفتاری ایران در مقابل تهاجم عراق به شمار می رفت. بیان و رفتار امام خمینی (ره) در مقام بالاترین مرجع تصمیم گیری در جنگ در قالب گفتمان دینی بود و وی از این



زاویه به موضعگیری و تهییج افکار عمومی می پرداخت. ایشان سخنان خود را بیشتر خطاب به مسلمانان بیان می کردند و سخنرانی هایشان در بردارنده تعابیر و واژه های اسلامی بود.

در طول جنگ و فراز و نشیب های آن همانند فتح خرمشهر؛ فتح فاو؛ جنگ شهرها؛ بازپس گیری فاو؛ سقوط هواپیمای مسافربری؛ و پایان جنگ و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ نیز، علل و نتایج حوادث و وقایع بر اساس آموزه های دینی تعبیر و تفسیر می شد. مصداق بارز این امر را می توان فتح خرمشهر دانست که از نظر رهبران نظام، زمانی به وقوع پیوست که رفتار دینی؛ عقلانیت، شجاعت و ابتکار مبارزان ایرانی به هم گره خوردند. (۱۱) آن جا که امام خمینی (ره) حادثه ای چون فتح خرمشهر را امری فوق طبیعت و توان طبیعی دانستند.

## آموزه های ملی

هویت ملی هر کشوری یکی از مهم ترین ابعاد وجودی آن کشور را تشکیل می دهد که در قوام و انسجام یک بخش به کلیت ساختارهای آن نقش اساسی دارد. هویت ملی را می توان مجموعه ای از گرایش ها و نگرش های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور به عنوان واحد سیاسی دانست. (۱۲) بر این اساس، هویت ملی به منزله مفهومی مرکب و چند رکنی در نظر گرفته می شود که در سطح ذهنیت و رفتار هریک از افراد جامعه قابل بررسی و جست وجوست. هویت ملی با این ویژگی ابعاد و عناصر سازنده ویژه ای دارد که ابعاد آن بعد اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، دینی و در نهایت، ادبی و عناصر آن فرهنگ و موارث گذشته، جغرافیا و سرزمین، زبان، دین، ذهنیت تاریخی، نژاد و موارد دیگر را شامل می شود. هر یک از این عناصر و ابعاد هویت ملی به نوبه خود در انسجام و قوام ملی هر کشوری نقش دارند. (۱۳)

در بررسی هویت ملی ایران، بر وجود عناصر مزبور با تغییرات کمی تأکید می شود، یعنی عناصر هویت ایرانی شامل، جغرافیای سرزمین ایران، تاریخ گذشته کشور، زبان و ادبیات فارسی، دین اسلام، نظام سیاسی، فرهنگ و میراث گذشته ایرانی و قومیت های آن و موارد دیگر مورد نظر است که در طول تاریخ گذشته، برخی از عناصر آن تقویت یا تضعیف شده اند. با وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی جدید، تعریف هویت ملی ایران، تغییر کرد، به طوری که موقعیت عناصری مانند دین، فرهنگ دینی و نظام سیاسی برجسته تر شد و بدین ترتیب، بعد از انقلاب، عنصر دین با قرائت شیعی در تعریف هویت ملی ایرانی مهم ترین جایگاه را یافت.

جنگ ایران و عراق که در سال ۱۳۵۹ با هدف شکست انقلاب اسلامی ایران و ساقط کردن نظام سیاسی کشور آغاز گردید، یکی از مهم ترین تمهیدات بالفعل هویت ملی ایرانی شد. به عبارت دیگر، ویژگی حمله عراق به ایران تهدید کردن ابعاد گوناگون هویت ملی ایرانی بود. در واقع، هدف اصلی عراق که ضمن همسایه بودن با ایران، وجوه مشترک دینی و فرهنگی زیادی نیز با آن دارد، از بین بردن هویت ملی این کشور بود. الف: جغرافیا

از آن جا که هدف عراق از حمله به ایران تصرف خوزستان بود، این استان نفت خیز و جنوبی کشور در خطر جدایی از ایران قرار گرفت. رژیم صدام با تغییر نام خوزستان به عربستان و خرمشهر به محمره در صدد بود ذهنیت لازم را برای جدایی این استان فراهم آورد. (۱۴) افزون بر آن، در صدد بود اروندرود و مناطق دیگر کشور، حتی در صورت امکان ظرف مدت کوتاهی پایتخت کشور را نیز تصرف کند.

ب: ذهنیت تاریخی

عراق با گسترش اندیشه رهبری قادسیه، در صدد یادآوری خاطرات صدر اسلام، یعنی تصرف ایران به دست اعراب بود؛ بنابراین،

ذهنیت تاریخی هویت ملی را خدشه دار می‌کرد و با تأکید بر عربی بودن خوزستان، می‌کوشید تا اقوام عرب ایران را در مقابل حکومت و قومیت‌های دیگر قرار دهد. (۱۵) ج: دین و ارزش‌های دینی

عراق با گسترش اندیشه تسنن و تفکر بعثی در صدد مقابل هم‌قرار دادن شیعه و سنی بود. هم‌چنین، وانمود می‌کرد که انقلاب ایران انقلابی افراطی و بنیادگرایی اسلامی است که خواهان تسلط بر جهان اسلام و اجرای احکام دینی طبق خواست رهبران ایران می‌باشد. (۱۶) د: نظام سیاسی

یکی از اهداف اصلی حمله عراق نابودی نظام سیاسی ایران بود؛ زیرا، این نظام که در نتیجه انقلاب اسلامی و حاکمیت ارزش‌های الهی پدید آمده بود، زمینه‌های تغییرات فرهنگی و مذهبی زیادی را در منطقه باعث شده و موجی از انقلابیگری را پدید آورده بود. در حمله عراق، تهدید رکن مهم هویت ملی، یعنی بعد سیاسی آن یکی از تهدیدهای اساسی بود. (۱۷)

بنابراین، ملاحظه می‌شود که با حمله عراق بیشتر عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی مورد تهدید جدی قرار گرفت که مهم‌ترین آنها، جغرافیا، دین و ارزش‌های دینی، قومیت‌ها و نظام سیاسی مستقر بود. درباره جغرافیا صراحت تهدید و عملکرد عراقی‌ها از موارد دیگر بیشتر بود تا آن‌جا که صدام در آبان ماه سال ۱۳۵۹ طی مصاحبه‌ای می‌گوید: > ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی‌شویم و صریحاً اعلام می‌داریم در شرایطی که این کشور دشمنی بوزد هر فرد عراقی و یا شاید هر عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود. < و طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر عراق نیز، اعلام می‌کند: > وجود پنج ایران کوچک‌تر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود. (۱۹<)

ایران با بررسی تهدیدهای عراق علیه عناصر بنیادین هویت ملی خود که شامل جغرافیا، ذهنیت تاریخی نظام سیاسی و ارزش‌های دینی می‌شد، یکی از مبانی رفتار خود را، حفظ هویت ملی بر اساس آموزه‌های ملی قرار داد، این آموزه‌های ملی به هر ایرانی یاد می‌دهد که در برابر تهدید دشمن خارجی علیه هویت ملی و عناصر آن مبارزه و از آنها دفاع کند؛ بنابراین، آموزه مزبور تأثیر بسیار زیادی در ایجاد انسجام ملی و دفاع داشت. بدین صورت، قومیت‌های مختلف کرد، ترک، بلوچ، عرب و غیره بدون در نظر گرفتن نوع قومیت خود، برای دفاع از جغرافیا، حکومت و ارزش‌های دینی کوشیدند و در این راستا، با یکدیگر همکاری کردند. هم‌چنین، اقلیت‌های دینی با احساس تهدید تمامیت ارضی کشور بدون توجه به تفاوت اعتقادی به دفاع از کیان مملکت پرداختند و حتی برخی از افراد بی‌اعتنا به نظام سیاسی موجود نیز برای حفظ تمامیت کشور خود در دفاع از کشور شرکت کردند.

بنابراین، با حمله عراق و در نتیجه تهدید عناصر و ابعاد سیاسی، دینی و فرهنگی هویت ملی مبنای رفتاری ایران بر اساس آموزه‌های ملت که همان دفاع از هویت ملی ایرانی است، قرار گرفت که در عمل، نتایج درخشانی نیز در پی داشت. گسترش فرهنگ‌های قومی و موسیقی‌های حماسی قومیت‌ها، افزایش مشروعیت سیاسی نظام، استحکام ارزش‌های دینی و تقویت آموزه‌های دینی توسط دین و در نهایت، حفظ تمامیت ارضی از جمله این نتایج بود.

## انقلاب اسلامی

بین انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق ارتباط ذاتی و جداناپذیری وجود دارد. از دیدگاه فلسفه علم تاریخ می‌توان جنگ هشت ساله را بسط کوتاه مدت تاریخی یا حادثه منتج تاریخی از انقلاب دانست. با نگاه دقیق‌تر می‌توان دریافت که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، ساختارها و ترتیبات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی حاکم بر منطقه خلیج فارس در سال ۱۳۵۹ فرو ریخت که نتیجه آن حذف شاه به عنوان حامی منافع امریکا، تشکیل حکومتی با ایدئولوژی اسلام انقلابی، آگاهی سیاسی توده‌های عامه کشورهای همسایه و تأثیرپذیری شدید آنها و فراهم شدن امکان صدور ایدئولوژی انقلابی به کل منطقه بود که حاکمیت سیاسی

حکام همسایه را تهدید می‌کرد. از همین رو، مبارزه با انقلاب اسلامی و تأثیرات فرامرزی آن در صدر اهداف عراق و حامیان آن کشور قرار گرفت؛ زیرا، غربی‌ها وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از آن را برای منافعشان، ثبات کشورهای مرتجع منطقه و اسرائیل تهدیدی بزرگ می‌دانستند؛ (۲۰) بنابراین، مبارزه با انقلاب اسلامی و نابودی ساختار ناشی از آن یکی از اهداف اصلی آنها برای بازگرداندن نظم پیش از انقلاب بود.

به همین دلیل، انقلاب اسلامی و حفظ آن یکی از مبانی رفتاری مهم ایران در مقابل تهاجم عراق محسوب می‌شد. به عبارت دیگر، دولتمردان ایران در آن شرایط این نکته را می‌دانستند که دلایل دیگری مانند توسعه طلبی ارضی، اختلافات ارضی، مسائل اعراب خوزستان و غیره تنها در پرتو هدف اصلی عراق، یعنی شکست انقلاب ایران می‌توانست توجیه شود تا آن جا که عراقی‌ها در توجیه علل آغاز جنگ بر مفهوم حقوقی پیشگیری اشاره می‌کردند. البته، باید یادآور شد که هدف آنها از پیشگیری، جلوگیری از تأثیرات انقلاب در کشورشان بود. (۲۱)

وقوع انقلاب اسلامی که تغییرات گسترده سیاسی، اجتماعی و ... را در ساختارهای جامعه ایجاد کرده بود، موجب اقدامات انقلابی ناشی از ضرورت و ماهیت انقلاب شد. پیش از آغاز جنگ، این اقدامات تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب، کمیته انقلاب اسلامی برای گسترش نظم و امنیت اجتماعی و بسیج مستضعفین برای مشارکت همگانی توده‌های مردمی در حفاظت از دستاوردهای انقلاب و برقراری امنیت اجتماعی و نهادهای دیگری مانند، جهادسازندگی، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای انقلابی را شامل می‌شد. آغاز جنگ نگرش و رفتار انقلابی دولتمردان را دوچندان کرد. این امر با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری شتاب بیشتری به خود گرفت. نگرش و رفتار مزبور در دوران جنگ توانمندی‌های خود را نشان داد و در حفظ و تثبیت دستاوردهای انقلاب اسلامی نقش بارزی را ایفا کرد.

در عرصه سیاست خارجی و فعالیت‌های بین‌المللی، هدف اصلی بیشتر به صدور انقلاب اسلامی معطوف بود به ویژه در نخستین سال‌های انقلاب سعی می‌شد تا به جای دولت‌ها با ملت‌ها ارتباط برقرار شود.

در عرصه نظامی نیز، رفتار انقلابی تحت تأثیر شرایط جنگی قرار گرفت، بدین معنی که در پی عملی شدن تهدیدات دشمن خارجی علیه موجودیت نظام اسلامی و شرایط خاص نیروهای نظامی، نهادهای انقلابی تازه تأسیس امکان رشد یافتند. این نهادها مانند سپاه، بسیج و جهاد سازندگی به طور مستقیم درگیر جنگ شدند؛ به طوری که مسئولیت عمده این جنگ بر عهده آنها گذاشته شد. این مسئله زمانی گسترش یافت که تلاش ارتش برای دفع حملات عراق نتایج چندانی در پی نداشت. بدین ترتیب، زمینه انجام اقدامات انقلابی یا مدیریت انقلابی جنگ فراهم شد که می‌توان عمل در خارج از قالب‌های کلاسیک را از جمله ویژگی‌های آن دانست که در نتیجه آن، سپاه به منزله نمونه برجسته نهادهای انقلابی که چهره و عملکردی نظامی داشت، توانست با به کارگیری فرماندهان جوان و جسور فرماندهی جنگ را بر عهده بگیرد و در عملیات‌هایی چون بیت المقدس، طریق القدس، فتح المبین، والفجر ۸ و کربلای ۵، به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد. نتایج بسیار بزرگ این عملیات‌ها، به تغییر ساختاری و گسترش سازمانی این نهادها از نظر کیفی و کمی منجر شد. که بیشتر تحت تأثیر جنگ و نگاه انقلابی بدان و دفاع از انقلاب و ارزش‌های ناشی از آن بود.

در عرصه دینی، انقلاب به منزله یکی از اصول و ارزش‌های بنیادی جامعه تلقی می‌شد که دفاع از آن همانند دفاع از تمامی اصول ملی و دینی واجب و ضروری بود.

بدین ترتیب، تصمیم‌گیرندگان سیاسی و رزمندگان عرصه‌های نبرد از زاویه ارزش‌های انقلاب اسلامی به جنگ نگاه می‌کردند و رفتاری مبتنی بر تفکرات انقلابی داشتند. آنها جنگ را تبلور اراده مخالفان نظام انقلابی خود می‌دیدند که از جانب صدام به اجرا در آمده بود؛ بنابراین، ضمن یافتن پاسخ و اراده معطوف بدان در آموزه‌های انقلاب اسلامی، در صدد دفاع از ارزش‌های آن

برآمدند.

## ماهیت تجاوز عراق

کشور عراق در شهریور ماه سال ۱۳۵۹، خاک ایران را از طریق زمین و هوا مورد تجاوز مستقیم خود قرار داد. این کشور با به کارگیری چندین لشکر پیاده و زرهی به استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان و خوزستان ایران حمله کرد و قسمت‌هایی از قلمرو ایران شامل شهرهایی چون خرمشهر، مهران، بستان و نفت شهر را به تصرف خود در آورد.

دولت عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در نیمه اول سال ۱۳۵۹، تحرکات و تجاوزات متعددی را علیه قلمرو ایران مرتکب شد و در شهریورماه همان سال با هجوم سراسری به خاک ایران تمام قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشت و جنگ هشت ساله را که مصداق بارز تجاوز نظامی یک کشور به کشور دیگر بود، آغاز کرد. اهداف عراق از انجام چنین تجاوزی را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

- ۱) شکست انقلاب اسلامی و سقوط نظام سیاسی ایران؛
- ۲) تصرف خوزستان و بخش‌هایی از خاک ایران؛ و
- ۳) تسلط بر اروندرود. عراق برای دستیابی بدین اهداف مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی و نظامی را پیش از جنگ، به ویژه در خوزستان انجام داد که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:
  - ۱) تشکیل و سازماندهی جوانان عرب در راستای اهداف عراق؛
  - ۲) دامن زدن به اختلافات میان ساکنان عرب و غیرعرب خوزستان؛
  - ۳) نفوذ در بیت آیت‌الله شبیر خاقانی و القای نظرات خود به وی و اطرافیانش؛
  - ۴) انجام دادن اقدامات خرابکارانه در مواضع حساس اقتصادی و نظامی خوزستان؛ و
  - ۵) ارسال اسلحه برای عشایر عرب خوزستان و مسلح کردن آنها. (۲۲) اما در طول جنگ، ماهیت عملکرد عراق ویژگی‌های خاص خود را داشت که مهم‌ترین آنها شامل موارد زیر بود:
    - ۱) حمله به مناطق غیرنظامی و ایجاد جنگ شهرها؛
    - ۲) حمله به کشتی‌های تجاری و آغاز جنگ نفتکش‌ها؛
    - ۳) به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی؛ و
    - ۴) حمایت از مخالفان نظام اسلامی. از این میان، حملات مکرر عراق به مناطق غیرنظامی و شهرها و روستاهای ایران با هدف ایجاد جو روانی در میان مردم علیه حکومت انجام می‌شد که کشته و مجروح شدن انسان‌های بی‌گناه بسیاری و تخریب مناطق مسکونی زیادی را به دنبال داشت.

به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی - و حتی کرد عراقی - نیز نشان دهنده یکی دیگر از ابعاد ماهیت عراق است. این کشور در سطح وسیعی از سلاح‌های مزبور در مناطق نظامی و غیرنظامی ایران مانند پیرانشهر، مریوان، سردشت، بانه، آبادان و دیگر شهرها استفاده کرد. وسعت استفاده از این سلاح‌ها به حدی بود که در نهایت، شورای امنیت را به نشان دادن واکنش واداشت؛ به طوری که این شورا با صدور قطع‌نامه‌ای آن را محکوم کرد و کارشناسان سازمان ملل نیز بدان لقب جنایت ضدبشری دادند. (۲۳)

آغاز تجاوز و اقدامات گسترده عراق در طول جنگ با حقوق بین‌المللی و قواعد عرفی مغایر بود. عملکرد این کشور، به ویژه عدول و نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی و حقوق بشر نشان داد که رژیم بغداد برای رسیدن به اهداف خود از توسل به هیچ اقدامی

فروگذار نیست.

با توجه به ویژگی‌ها و ماهیت تجاوز عراق، زمامداران و مردم ایران به این نتیجه رسیده بودند که ایران با کشوری روبه‌روست که برای تحقق اهداف نامشروع خود به هر عملی متوسل می‌شود، حقوق و قواعد بین‌المللی را مد نظر قرار نمی‌دهد. و به اصول اخلاقی و انسانی توجه نمی‌کند. بنابراین، تنها راه مقابله با چنین دشمنی مبارزه نظامی در صحنه نبرد و شکست آن بود، یعنی در مقابل کشوری چون عراق امکان هیچ‌گونه مصالحه، سازش و مذاکره وجود نداشت و تنها راه مقابله با آن، انجام عملیات‌های نظامی و کسب موفقیت برتر نظامی در صحنه جنگ بود. مصداق بارز این امر را می‌توان در شرایط زمانی پس از فتح خرمشهر مشاهده کرد. در آن زمان، ایران از میان‌گزینه‌هایی موجود، یعنی پذیرش درخواست صلح بدون عقب‌نشینی کامل عراق، ترک محاصره بدون اتمام جنگ، تلاش نظامی برای کسب پیروزی‌های جدید تا تحقق حقوق خود، چاره‌ای جز پذیرش راه حل سوم نداشت. ایران به دلیل ماهیت حکومت عراق و شخص صدام مطمئن نبود که در صورت پذیرش آتش‌بس و نه صلح، عراق با تجدید توان نظامی خود دوباره به ایران حمله نکند و حتی در صورت برقراری آتش‌بس، حاضر به عقب‌نشینی باشد. در عین حال، پس از فتح خرمشهر، عراق هنوز حدود پنج هزار کیلومتر از خاک ایران را در اشغال خود داشت. (۲۴) مصداق دیگر آن در پایان جنگ پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، یعنی زمانی است که شرایط داخلی ایران و نظام بین‌الملل و حتی شرایط خود عراق هم آماده پذیرش قطع‌نامه و برقراری آتش‌بس بود که علی‌رغم پذیرش قطع‌نامه از سوی ایران نیروهای عراق حتی پس از پذیرش قطع‌نامه از سوی خود دولت عراق، دوباره خاک ایران را به طور همه‌جانبه با همکاری منافقین هدف حمله قرار دادند که البته، با دفاع نیروهای ایرانی به عقب‌رانده شدند. (۲۵) حمله عراق به کویت در سال ۱۳۶۹ نیز نمونه دیگری است که تمامی تحلیل‌های حامیان غربی و شرقی خود را درباره وفاداری بغداد نسبت به آنها نقش بر آب کرد. عراق با استفاده از توان نظامی به کویت که در زمان جنگ متحدش بود، حمله کرد و بدین ترتیب، در مقابل کشورهای غربی و دیگر متحدانش، قرار گرفت؛ متحدانی که توان نظامی خود را از آنها دریافت کرده بود و در واقع، در طول جنگ هشت ساله، با همین کمک‌ها سرپا ایستاد. افزون بر اینها، جنایت‌های صدام نسبت به مردم عراق دلیل روشنی بر ماهیت ضدانسانی، غیرمشروع و ضد بشری اوست. این امر نشان می‌دهد که رژیم کنونی عراق به هیچ‌وجه قابل اعتماد نیست. بنابراین، یکی از مبانی رفتاری ایران در طول جنگ به ماهیت عملکرد عراق و بی‌اعتمادی ناشی از آن معطوف بود، یعنی بر اساس این که:

(۱) عراق طبق اصول و قوانین بین‌المللی و حقوقی متجاوز است؛

(۲) این کشور برای تأمین خواسته‌های خود تمام قوانین حقوقی را زیر پا می‌گذارد؛ و

(۳) تنها با قدرت می‌توان با قدرت عراق مقابله کرد و از تبعات منفی فزون تر آن در امان بود.

از این رو، مقابله نظامی مناسب‌ترین راه برای حل معضل و مشکل صدام و حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور بود؛ بنابراین، حداکثر توان و امکانات کشور در این راستا سازماندهی شد.

### جایگاه ایران در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی

وقوع انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی ایران ساختارهای امنیتی، سیاسی و نظامی منطقه خلیج فارس را متحول کرد. پس از انقلاب، ایران حامی منافع آمریکا و برخی از کشورهای منطقه نبود و حتی در مقابل منافع آنها نیز قرار گرفت. این امر شرایط خاصی را در سطح نظام بین‌الملل و منطقه برای این کشور پدید آورد؛ شرایطی که باعث شد تا ایران نگرش و رفتار خاصی را در مقابله با عراق در پیش گیرد. در سطح منطقه‌ای، جایگاه ایران در تعامل با کشورهای همسایه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و در سطح بین‌المللی، نگرش و درک این کشور از سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه شورای امنیت و کشورهای قدرتمند جهانی مانند

امریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان در عملکردش در جنگ مؤثر بود. الف) جایگاه منطقه ای ایران بعد از انقلاب، جایگاه منطقه ای ایران بسیار تغییر کرد. با وقوع انقلاب و صدور امواج آن، بیشتر کشورهای همسایه مانند ترکیه، عراق، پاکستان و افغانستان و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شامل کویت، عربستان، امارات، قطر، عمان و بحرین احساس نگرانی و تهدید کردند. کشورهای محافظه کار حاشیه خلیج فارس حدود هشت ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی به علت هراس از گسترش انقلاب و تلقین و تبلیغ رسانه های گروهی غرب درباره خطرات ناشی از آن گرد هم آمدند و شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند. (۲۶) تأسیس این شورا که در راستای اهداف امریکا برای حفظ منافع خود در منطقه انجام شد، برای کشورهای عضو این امکان را فراهم آورد تا از یک طرف، سیاست حمایت خود را از عراق و از طرف دیگر، موضعگیری در مقابل ایران را در قالب هماهنگی تصمیمات شورا انجام دهند. در واقع، استراتژی شورای همکاری خلیج فارس در برخورد با موضوع جنگ ایران و عراق با استراتژی امریکا تفاوت ماهوی نداشت، اما برای شورا تبعات پیروزی ایران در جنگ از تبعات پیروزی عراق سنگین تر بود. البته، این شورا پیروزی عراق را نیز خواستار نبود و در طول جنگ، ضمن حفظ احتیاط از جانب ایران، سعی داشت با صدور قطع نامه هایی از عراق حمایت کند. افزون بر آن، برخی از کشورهای شورا مانند عربستان و کویت نسبت به دیگر کشورها کمک های نظامی، اقتصادی و سیاسی بیشتری به عراق کردند. (۲۷)

البته، شورا در مواقعی که ایران به پیروزی های درخور توجهی دست می یافت، جداً احساس خطر می کرد و با برگزاری اجلاس به موضعگیری صریح اقدام می نمود و به طور مستقیم، نسبت به تحرکات ایران عکس العمل نشان می داد. برای نمونه، در مقابل تهدید ایران درباره بستن تنگه هرمز، هشدار داد که ممالک عضو شورای همکاری از قدرت کافی برای دفاع از خود برخوردارند و هر گونه تلاش برای بستن تنگه هرمز حضور نیروهای خارجی را در منطقه باعث خواهد شد. (۲۸)

بنابراین، در یک جمع بندی کلی، ملاحظه می شود که شورای همکاری خلیج فارس و اعضای آن با هدف کنترل امواج انقلاب ایران و جلوگیری از پیروزی نظامی و سیاسی این کشور در جنگ با ارائه کمک های نظامی و سیاسی به عراق، عملاً یکی از بزرگ ترین حامیان بغداد در طول جنگ بودند. در واقع، از همان آغاز جنگ، کشورهای شورا عراق را از حمایت های سیاسی گسترده خود بهره مند کردند. برای نمونه، می توان به بخش اعظم بیانیه های اجلاس های شورا خاصه اجلاس های وزیران خارجه و سران که به اعلام حمایت از مواضع عراق در جنگ اختصاص می یافت، اشاره کرد.

رفتار شورا در طول جنگ، کمک های کلان برخی از اعضای آن مانند کویت و عربستان و حمایت های سیاسی - تبلیغاتی از عراق به منزله نقض اصول و قواعد بی طرفی دولت ها در جنگ بود، به طوری که جای هیچ گونه اعتمادی باقی نمی گذاشت. در واقع، جمهوری اسلامی ایران اثری از حق طلبی و حتی قانونمداری را در رفتار اعضای شورا نمی دید. رفتار جانبدارانه آنها از عراق واقعیتی بود که در شکل گیری نگرش و رفتار ایران تأثیر داشت. نقش شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران در مقایسه با نقش سازمان کنفرانس اسلامی یا جنبش عدم تعهد، دقیقاً یک نقش فعال بود، یعنی اگر سازمان های مزبور در راستای منافع ایران گام بر نمی داشتند، علیه منافع این کشور نیز اقدام نمی کردند، اما شورای همکاری به طور مستقیم و غیرمستقیم و با ارائه کمک های سیاسی، نظامی و تبلیغاتی به عراق شرایط خاصی را برای ایران پدید آورد که مبنای عملکرد و رفتار این کشور شد، بدین معنی ایران از عدم کمک های آن شورا به عراق و برخورد عادلانه با خود اطمینان نداشت. (۲۹)

هر چند کشورهای همسایه ایران مانند ترکیه، پاکستان و افغانستان نسبت به جنگ ایران و عراق اعلام بی طرفی رسمی کردند، اما در واقع، موضع آنها بیشتر متأثر از منافع اقتصادی و ارتباط آنها با دبلوک قدرت جهانی بود. ترکیه هم از طریق تجارت با ایران و هم با حفظ مناسبات با عراق از نظر اقتصادی سود سرشاری از این جنگ نصیب خود کرد. هر چند این کشور در قبال جنگ ایران و



عراق با مسائلی چون اسلام گرایی، ناسیونالیسم کردی، توسعه اقتصادی و مهاجرت ایرانیان به ترکیه روبه رو بود، (۳۰) اما در کل، سیاستش از بلوک غرب، به ویژه امریکا متأثر بود. در عین حال، برای سیاست خارجی ترکیه حفظ روابط با ایران و عراق، حفظ امنیت منطقه ای و تلاش برای کسب درآمدهای اقتصادی حاصل از جنگ اولویت داشت. از این رو، هیچ گاه در طول جنگ، از مواضع ایران حمایت نکرد، بلکه همواره به منزله یک دولت بی طرف و در برخی از مواقع، هنگامی که ایران به پیروزی های بزرگی دست می یافت، احساس خطر می کرد و در کل، نمی توانست به عنوان متحد در کنار ایران قرار گیرد. (۳۱)

پاکستان به منزله یکی از حامیان امریکا در منطقه علی رغم آن که در قالب سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد تلاش هایی را برای برقراری صلح انجام داد، اما به علت ماهیت حکومت خود و نیز حضور محسوس امریکا نمی توانست در حمایت از ایران اقدام مؤثری انجام دهد.

بنابراین، ملاحظه می شود که در سطح منطقه ای، ایران در طول جنگ به طور مستقیم از حمایت هیچ کشور یا سازمان منطقه ای برخوردار نبود. هر چند دو کشور سوریه و لیبی در سطح سیاسی از ایران حمایت می کردند، اما حمایت آنها در مقابل طرفداری کشورهای شورای همکاری و دیگر کشورهای منطقه از عراق، بیشتر بازدارنده بود. به عبارت دیگر، رفتار ایران در سطح منطقه ای با توجه به عدم حمایت کشورها و سازمان های منطقه ای از کشور ما و ارائه کمک های فراوان به عراق، امکان استفاده از توان آنها برای ایران سلب می شد و این واقعیت را پذیرفته بود که در سطح منطقه ای، باید تنها به توان نظامی و سیاسی خود اتکا کند و از کمک و حمایت سوریه و لیبی بیشتر در راستای جلوگیری از اتحاد اعراب علیه خود بهره می جست و به این صورت درصدد بود از تحقق ایده عراق مبنی بر تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ فارس و عرب یا شیعه و سنی جلوگیری کند. (ب) جایگاه بین المللی ایران

جایگاه ایران در نظام بین المللی در درجه نخست از سقوط شاه و تغییر نظام سیاسی ایران متأثر بود. وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر ارزش های اسلامی، عکس العملی را در سطح جهانی پدید آورد که موقعیت ایران را رقم زد. این موقعیت را با توجه به وجود دو بازیگر در صحنه جهانی می توان در دو سطح بررسی کرد.

نخست، جایگاه ایران نسبت به کشورهای قدرتمند و دوم نسبت به سازمان های بین المللی .

### جایگاه ایران نسبت به قدرت های جهانی

مناسبات و روابط ایران با قدرت های جهانی مانند امریکا، شوروی، فرانسه، انگلستان و چین تحت تأثیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران دگرگون شد و با برخی از آنها، به ویژه امریکا از دوستی و اتحاد به دشمنی و خصومت رسید. با آغاز جنگ، بیشتر آنها آشکارا از عراق حمایت کردند و برخی نیز چون شوروی نخست اعلام بی طرفی و در نهایت به طرف عراق متمایل شدند. امریکا با وجود اعلام بی طرفی به طور مستقیم و غیرمستقیم به حمایت از عراق برخاست، به طوری که حتی با ایران به طور مستقیم نیز درگیر شد. انگلستان و چین هم ضمن اعلام بی طرفی در طول جنگ، کمک های خاصی به عراق ارائه دادند. البته، باید یادآور شد که از این میان، چین به ایران نیز سلاح می فروخت.

نکته در خور توجه آن که، در نحوه برخورد این کشورها با ایران تفاوت هایی وجود داشت که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. هر چند امریکا نسبت به جنگ اعلام بی طرفی رسمی کرد، اما با آغاز پیروزی های عمده ایران در جنگ عملاً وارد صحنه شد و از نظر سیاسی - نظامی و اقتصادی از عراق حمایت کرد. استراتژی کلی امریکا در مقابل ایران را در طول جنگ می توان در موارد زیر

بر شمرد:

- ۱) جلوگیری از شکست عراق؛
  - ۲) جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ؛
  - ۳) اعمال فشارهای سیاسی و دیپلماتیک از طریق شورای امنیت و تصویب قطع نامه های لازم الاجرا؛
  - ۴) کمک به ایجاد یک اتحاد عربی در مقابل ایران؛
  - ۵) مهار و کنترل ایران و جلوگیری از ورود تسلیحات استراتژیک به ایران؛
  - ۶) اعاده حیثیت سیاسی امریکا در منطقه با حمایت از دولت های محافظه کار منطقه؛ و
  - ۷) انصراف توجه افکار عمومی جهانی از اسرائیل به جنگ ایران و عراق. (۳۲)
- امریکا برای کنترل جریان جنگ، به ویژه از سال ۱۳۶۱ به بعد، با تشویق حامیان منطقه ای و کشورهای اروپایی به حمایت از عراق، پشتیبانی از این کشور در شورای امنیت و سازمان های دیگر و تلاش برای تحریم تسلیحاتی ایران نقش موثری را در جنگ ایفا کرد و بدین ترتیب، کوشید تا به هر نحو ممکن از پیروزی ایران و شکست عراق جلوگیری کند. واشنگتن برای دستیابی بدین هدف کمک های نظامی زیادی به عراق کرد و در نهایت، شرایط جهانی را به سوی بین المللی شدن جنگ و حتی درگیری با ایران پیش برد تا بدین ترتیب، بتواند ایران را به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ وادار کند؛ بنابراین، ایران در طول جنگ از سوی امریکا از راه های مختلف تحت فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی قرار گرفت؛ و دولت ایران در نحوه رفتار با عراق، استراتژی امریکا را نیز می بایست مدنظر قرار می داد. به عبارت دیگر، عملکرد امریکا در جنگ یکی از مبانی رفتاری ایران در مقابل عراق بود که در روند و نتایج آن تاثیر فراوانی به جای گذاشت.

هرچند شوروی مانند امریکا در جریان جنگ نقش نداشت، اما از آن جا که عراق یکی از متحدان استراتژیک این کشور محسوب می شد و نیز به علت ویژگی های انقلابی جامعه جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش پیروزی ایران نبود؛ از این رو، پس از سال ۱۳۶۱، از موضع بی طرفی دست برداشت و به سوی عراق متمایل و در نهایت نیز، به یکی از حامیان جدی آن کشور تبدیل شد. بدین ترتیب، ارائه کمک های نظامی شوروی به عراق که پیش از آن آغاز شده بود، به شدت افزایش یافت و روس ها به عمده ترین صادر کننده سلاح و تجهیز کننده ساختار نظامی عراق تبدیل شدند. (۳۳) شوروی که پیروزی ایران را تهدیدی علیه خود می دانست از نفوذ انقلاب اسلامی در جمهوری های جنوبی شوروی و موضعگیری ایران در قبال اشغال افغانستان سخت نگران بود. (۳۴) از همین رو، استراتژی این کشور نیز در راستای استراتژی امریکا مبنی بر حمایت از عراق برای جلوگیری از پیروزی ایران و در نهایت، پایان جنگ بدون طرف برنده بود. البته، باید یادآور شد که روس ها شدت و حساسیت امریکاییان را نداشتند. شوروی در عمل از ایران هیچ گونه حمایتی نکرد، هرچند در شورای امنیت در برخی از موارد به ضرر ایران هم موضع نگرفت و در مواقعی، تعادل را ایجاد کرد، اما موضعش به عنوان یک ابرقدرت جهانی که در همسایگی ایران قرار داشت، دوستانه نبود و نوعی دوگانگی ایدئولوژیک در آن دیده می شد. عراق نمی توانست به نسبت ایران از امتیاز هم جواری و همسایگی و موقعیت ژئوپلیتیکی برخوردار باشد، اما در حالی که بین نظام سیاسی ایران و شوروی فاصله ایدئولوژیکی زیادی وجود داشت، بین عراق و شوروی هماهنگی ایدئولوژیکی و روابطی استراتژیک برقرار بود و این واقعیتی بود که بر برداشت و رفتار ایران در طول جنگ هشت ساله در مقابل عراق تأثیر گذاشت.

دیگر قدرت های جهانی مانند فرانسه، انگلستان و چین نیز عملاً موضع مناسبی نسبت به ایران نداشتند. از میان آنها، فرانسه با اعلام حمایت آشکار از عراق در طول جنگ یکی از بزرگ ترین صادر کنندگان اسلحه به عراق و از شرکای تجاری آن کشور محسوب می شد. (۳۵)



کشورهای دیگر اروپای غربی به دلیل آن که منافع خود را در طول جنگ با منافع امریکا گره زده بودند و به حمایت امریکا امید داشتند، دیدگاه‌ها و مواضع و عملکردشان را نیز در راستای استراتژی امریکا تنظیم می‌کردند. جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ مهم‌ترین دیدگاه مشترک این کشورها بود؛ زیرا، از نظر آنها، پیروزی ایران بر عراق به گسترش بنیادگرایی اسلامی در بین کشورهای نفت خیز منطقه منجر می‌شد و شریان حیاتی جهان صنعتی را تهدید می‌کرد. (۳۶)

در طول جنگ، ایران نمی‌توانست به حمایت یا دست‌کم مواضع عادلانه کشورهای اروپایی و قدرت‌های بزرگ جهانی امیدوار باشد؛ زیرا، برای همه آنها پیروزی ایران در جنگ یک واقعیت غیرقابل‌پذیرش بود؛ و می‌کوشیدند با ارائه انواع کمک‌ها به عراق از پیروزی ایران جلوگیری کنند. از این رو، ایران در سطح جهانی با قدرت‌های بزرگ مناسبات خوبی نداشت و نه تنها نمی‌توانست از موقعیت جهانی آنها برای احقاق حقوق خود استفاده کند، بلکه برعکس از راه‌های مختلف تحت فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها قرار داشت؛ واقعیتی که دولتمردان ایرانی آن را پذیرفته بودند؛ بنابراین، در رفتار ایران در مقابل عراق، این مسئله یکی از متغیرهای اساسی محسوب می‌شد که تنهایی ایران را در عرصه جهانی دیکته کرده بود.

### نگرش جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های بین‌المللی

شورای امنیت مهم‌ترین مرجع بین‌المللی درگیر با جنگ ایران و عراق بود، ترکیب شورای امنیت شامل پنج عضو دائم و ده عضو دوره‌ای است. این شورا بر اساس بند ۱ ماده ۴۱ منشور ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و برای اجرای این مسئولیت می‌تواند از اهرم‌های اجرایی استفاده کند.

یک روز پس از آغاز حمله عراق به ایران، شورای امنیت با صدور بیانیه‌ای رسمی از این جنگ تنها با نام وضعیت یاد کرد و از به کار بردن عنوان تجاوز خودداری نمود. سپس، در ۶ مهرماه ۱۳۵۹، طی صدور قطع‌نامه ۴۷۹، از ایران و عراق خواست تا اصول عدالت و حقوق بین‌الملل را بپذیرند، اما به تجاوز عراق و لزوم عقب‌نشینی نیروهای این کشور به مرزهای بین‌الملل هیچ اشاره‌ای نکرد. (۳۷) پس از آن تا تیرماه سال ۱۳۶۱، اقدام خاصی درباره پایان بخشیدن به این جنگ انجام نداد تا این که با برتری ایران در جنگ و آشکار شدن احتمال شکست عراق، موضوع جنگ را دوباره بررسی و قطع‌نامه ۵۱۴ را صادر کرد که در آن، بر خاتمه عملیات نظامی، برقراری آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین‌المللی و لزوم دستیابی به راه حل صلح آمیز تأکید کرد. (۳۸)

اما این قطع‌نامه علی‌رغم قرار گرفتن ایران در موقعیت نظامی برتر، پیش از برقراری صلح، خواسته‌های برحق این کشور را مانند شناسایی متجاوز، تبییه آن و عقب‌نشینی را در نظر نگرفت. در نتیجه، ایران نیز به علت نادیده گرفتن واقعیت‌های جنگ آن را رد کرد. هدف شورای امنیت از صدور این قطع‌نامه، جلوگیری از ورود نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق تحت عنوان به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی بود. (۳۹) هم‌چنین، این شورا بعد از عملیات والفجر مقدماتی، قطع‌نامه ۵۲۲ و با گسترش دامنه جنگ به خلیج فارس قطع‌نامه ۵۴۰ را منتشر و در آن، حملات به مناطق مسکونی ایران را بدون یادآور شدن نام عراق محکوم کرد. (۴۰) با استفاده گسترده عراق از سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی و شکایت ایران، شورا با صدور بیانیه ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰/۱/۶۳) به نكوهش دولت عراق بسنده و در ادامه، قطع‌نامه ۵۵۲ را با گسترش حملات به کشتی‌ها در خلیج فارس منتشر کرد که در آن، ضمن ابراز نگرانی شدید از حمله به کشتی‌های تجاری در مسیر بنادر کویت و عربستان، از دولت‌ها درخواست شده بود که قوانین بین‌المللی کشتیرانی را محترم‌شمارند. دولت ایران این قطع‌نامه را نیز رد کرد؛ زیرا، علی‌رغم حملات مکرر عراق به کشتی‌ها در خلیج فارس از این کشور نامی برده نشده بود. (۴۱) شورا در ادامه جنگ، بیانیه‌های دیگری را هم در باره آن منتشر کرد که همان ماهیت بیانیه‌های قبلی را داشتند. از جمله بیانیه ۵ و ۱۵ مارس ۱۹۸۵ که درباره حمله به مناطق مسکونی بود با قطع

نامه ۵۸۲ که در ۵/۱۲/۶۴ پس از تصرف جزیره استراتژیک فاو از سوی ایران به درخواست عراق و هفت کشور حامی عرب آن صادر شد و در آن، بر اصل غیرقابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه زور، تأسف از برخورد میان ایران و عراق، برقراری آتش بس، تأسف از کاربرد سلاح های شیمیایی، تبادل اسرای جنگی و موارد دیگر تأکید شده بود (۴۲) و ایران در پاسخ، آن را ناقص، بی اعتبار و غیرقابل اجرا دانست؛ زیرا، علی رغم استفاده های مکرر عراق از سلاح شیمیایی، در قطع نامه نام این کشور آورده نشده بود و هیچ تضمینی برای اعاده صلح در آن وجود نداشت. شورای امنیت در ادامه تلاش های خود، قطع نامه ۵۸۸ را در سال ۱۳۶۵ به دنبال بازپس گیری مهران از سوی ایران با ابراز نگرانی بسیار زیاد از تحولات جنگ منتشر کرد. در این قطع نامه، شورا از دبیرکل خواست تا با شدت بخشیدن به تلاش هایش برای استقرار صلح اقدام کند، ولی در این قطع نامه نیز مانند قطع نامه های پیشین، شناسایی متجاوز و پرداخت غرامت جنگ در نظر گرفته نشده بود؛ بنابراین ایران قطع نامه مزبور را به دلیل در نظر نگرفتن خواسته هایش نپذیرفت. سرانجام، در سال ۱۳۶۶، قطع نامه ۵۹۸ با تلاش قدرت های جهانی و ماه ها جلسات طولانی که ضمانت اجرایی داشت، تصویب شد. در این قطع نامه، به هر دو کشور با لحنی آمرانه دستور داده شده بود که بی درنگ، جنگ را پایان دهند. هم چنین، در آن، موارد دیگر قطع نامه های قبلی و نیز راهکار اجرای روند برقراری آتش بس نیز پیش بینی شده بود. (۴۳) آخرین قطع نامه شورا چند روز پس از برقراری آتش بس در ۴ شهریورماه ۱۳۶۷ به شماره ۶۲۰ درباره استفاده عراق از سلاح های شیمیایی تصویب شد که در آن، این کشور به علت کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران محکوم شده بود. (۴۴)

روند کلی قطع نامه ها و بیانیه های شورای امنیت سازمان ملل نشان می دهد که نهاد مزبور به علت آن که در زیر سیطره قدرت های بزرگی مانند امریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان قرار داشت، نحوه عملکرد خود را براساس منافع و مصالح جهانی این قدرت ها تنظیم می کرد. مفاد این قطع نامه ها نشان دهنده آن است که تا قدرت ها با موضوع جنگ برخورد جدی نکردند، برخورد شورای امنیت نیز جدی نبود، اما زمانی که پیروزی های ایران صحنه جنگ را تغییر داد، قدرت ها و به دنبال آنها، شورای امنیت برای حمایت از عراق جداً واکنش نشان دادند و در نهایت هم، شورای امنیت تحت سلطه ابرقدرت ها عزم خود را بر این نهاد تا جنگ را بدون برنده پایان بخشد؛ بنابراین، قطع نامه های ۵۸۸ و ۵۹۸ را در این راستا منتشر کرد.

ایران به منزله کشوری که در عرصه منطقه ای و جهانی در مقابل عراق متحدان چندانی نداشت، بالطبع می توانست به اقدامات شورای امنیت بسیار امیدوار باشد تا بدین ترتیب بتواند از حقوق خود دفاع کند، اما واقعیت نشان می دهد که در عمل این اتفاق نیفتاد و علی رغم استدلال های ایران درباره آغاز تجاوز از سوی عراق، کاربرد سلاح شیمیایی، حملات به مناطق مسکونی، حملات به کشتی ها در خلیج فارس و دیگر اقدامات غیرقانونی، شورای امنیت در عمل به خواسته ها و استدلالات مزبور توجه نکرد و تنها زمانی کمی نرمش از خود نشان داد که ایران در صحنه نظامی در موقعیت برتر قرار گرفت؛ بنابراین، ایران موقعیت مناسب و مطلوبی در سازمان ملل و شورای امنیت نداشت تا از آن، برای دفاع در مقابل عراق استفاده کند؛ در نتیجه، رفتار خود را چنین تنظیم کرد که برای احقاق حقوق خود در شورای امنیت و سازمان ملل باید در عرصه نظامی در موقعیت برتر قرار گیرد و هیچ چاره ای جز پیروزی نظامی بر عراق ندارد؛ زیرا، شورای امنیت حاضر نیست این واقعیت را که ایران مورد تجاوز قرار گرفته است، بپذیرد. بی اعتمادی به شورای امنیت و عملکرد آن یکی دیگر از مبانی رفتاری ایران در مقابل عراق بود که در پایان جنگ، به دلیل نقش مثبتی که دبیرکل ایفا کرد تا حدی کاهش یافت و به دنبال آن، جمهوری اسلامی ایران نیز قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.

با بررسی جایگاه ایران در ساختار منطقه ای، نظام جهانی و سازمان های بین الملل، مشاهده می شود که در طول جنگ، نحوه عملکرد این سازمان ها و ساختار آنها ایران را در شرایطی قرار داده بود که از آنها انتظار حمایت نداشت. به عبارت دیگر، ایران در صحنه نظام بین الملل، از دوستان و حامیانی برخوردار نبود که برای حمایت از خود در مقابل عراق به آنها تکیه کند و این واقعیتی

بود که مبنای رفتار ایران در جنگ، یعنی اتکاء این کشور بدون توسل به فرصت‌های نظام بین‌المللی صرفاً به توان خودی قرار گرفت.

## نتیجه‌گیری

با توجه به شرح مبانی رفتاری مزبور می‌توان به این نتیجه رسید که نحوه رفتار ایران در طول جنگ به دو صورت رفتار فعالانه دفاعی و رفتار واکنش دفاعی بود. رفتار نخست برخاسته از آموزه‌های دینی و ملی بود که تحت شرایط منطقه‌ای و جهانی قرار نمی‌گرفت؛ زیرا، تحت اصول ثابت دینی و ویژگی‌های ملی تاریخی پدید آمده بود که هنوز نیز تداوم دارد. رفتار دوم تحت تأثیر شرایط صحنه نبرد، عملکرد عراق، شرایط منطقه‌ای و جهانی قرار داشت. در این نوع رفتار، ایران بیشتر متأثر از نحوه برخورد و عملکرد عراق، کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ و نیز سازمان‌های بین‌المللی بود، یعنی ایران با توجه به عکس‌العمل و مواضع آنها رفتار متناسب با آن را از خود نشان می‌داد.

در مجموع، به نظر می‌رسد با توجه به نقش آموزه‌های دینی، تأثیرات انقلاب اسلامی و آموزه‌های ملی، اهمیت و اولویت رفتار دفاعی فعالانه از سوی ایران بیشتر عملی بود. دلیل این امر، عدم امکان استفاده این کشور از شرایط سیاسی منطقه‌ای و جهانی و تلاش برای به دست گرفتن ابتکار عمل در صحنه نظامی بود. این رویکرد در رفتار دفاعی، باعث شد تا نیروهای ایرانی در صحنه نبرد به پیروزی‌های درخور توجهی دست یابند که در نتیجه آن، رفتار نظام جهانی و منطقه‌ای نسبت به ایران تا حدی تحول یافت. نمونه بارز این نکته را می‌توان در تغییر رفتار شورای امنیت، شورای همکاری خلیج فارس، امریکا، شوروی و دیگر کشورهای بزرگ در چهار قطع‌نامه ابتدای جنگ، پس از فتح خرمشهر، پس از فتح فاو و پایان جنگ مشاهده کرد، یعنی هرچه ایران در طول جنگ، به پیروزی‌های بزرگی دست می‌یافت، نوع رفتار آنها نیز تغییر می‌کرد و به اهمیت جایگاه ایران بیشتر واقف می‌شدند این امر باعث شد تا این کشور بتواند رفتار رقبای خود را اندکی تغییر دهد و آنها را به پذیرفتن بخشی از مواضع برحق خود در پایان جنگ وادارد. فصلنامه نگین - شماره ۲

## پاورقی

۱. سوره بقره؛ آیه ۱۹۰.
۲. سوره حج؛ آیه ۳۹.
۳. سوره نساء؛ آیه ۷۵.
۴. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۷.
۵. عبدالرحمن فیصل، تجاوز دفاع از دیدگاه اسلام، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد اول، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، ص ۲۳۸.
۶. ر.ک. به: محمدحسین جمشیدی؛ مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران؛ تهران: دوره عالی جنگ سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۸۷ - ۶۰۰.
۷. امام خمینی؛ رساله نوین؛ جلد چهارم. ص ۱۷۳.
۸. امام خمینی؛ صحیفه نور؛ جلد ۱۳، ص ۱۰۹.
۹. سیدعلی بنی‌لوحی؛ مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی در دفاع مقدس؛ تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲.

۱۰. همان؛ ص ۴۰.
۱۱. ر.ک. به: محمد درودیان؛ از خونین شهر تا خرمشهر؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، صص ۱۵۹-۱۶۴.
۱۲. ابراهیم حاجیانی >؛ تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه <فصلنامه مطالعات ملی؛ شماره ۵، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۹۷.
۱۳. همان، صص ۱۹۹-۲۰۶.
۱۴. مهدی انصاری و دیگران؛ خرمشهر در جنگ طولانی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸.
۱۵. همان، فصول اول تا پنجم.
۱۶. ر.ک. به: همان، فصل اول.
۱۷. محمد درودیان؛ آغاز تا پایان؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، ص ۱۶.
۱۸. همان، ص ۱۸.
۱۹. همان. ص ۱۶.
۲۰. همان، ص ۱۵.
۲۱. همان، ص ۱۷.
۲۲. مهدی انصاری؛ پیشین؛ فصول اول تا هفتم.
۲۳. یحیی فوزی >؛ ابعاد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق، و واکنش مجامع بین المللی <مجموعه مقالات: انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۸۶.
۲۴. محمد درودیان؛ جنگ بازیابی ثبات؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰.
۲۵. محمد درودیان؛ پایان جنگ؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۳۶ و ۱۷۵-۱۸۸.
۲۶. هادی نخعی >؛ شورای همکاری خلیج فارس <مجموعه مقالات: سازمان های بین الملل و جنگ ایران و عراق؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۴ صص ۱۱۷-۸.
۲۷. همان، صص ۱۱۷-۱۴۳.
۲۸. همان، ص ۱۳۲.
۲۹. بهمن نعیمی ارفع؛ مبانی رفتار شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، صص ۷۷-۹۰.
۳۰. رحمان قهرمان پور >؛ دلایل و ریشه های موضع گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق <فصلنامه نگین، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۰.
۳۱. همان، صص ۵۶-۵۸.
۳۲. علی اکبر علیخانی >؛ مواضع و عملکرد نظام بین الملل در قبال جنگ عراق علیه ایران <مجموعه مقالات: انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۷۰-۱۷۱.
۳۳. همان، صص ۱۷۲-۱۷۳.
۳۴. همان، ص ۱۷۵.
۳۵. همان، صص ۱۷۸-۱۸۰ و حسین یکتا >؛ مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق <مجموعه مقالات: جنگ تحمیلی؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۳، صص ۱۷۹-۱۸۵.

۳۶. علی اکبر علیخانی؛ پیشین؛ ص ۱۷۷.
۳۷. حسین یکتا > سازمان ملل متحد < مجموعه مقالات سازمان های بین المللی و جنگ ایران و عراق، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۴، صص ۸۸ - ۸۹.
۳۸. همان، ص ۹۱.
۳۹. همان، ص ۹۱ و عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی؛ تهران: وزارت امور خارجه ۱۳۷۴، صص ۸۱ - ۸۸.
۴۰. حسین یکتا؛ سازمان ملل متحد؛ پیشین، ص ۹۵.
۴۱. همان، صص ۹۶ - ۹۷.
۴۲. عباس هدایتی؛ پیشین؛ صص ۹۳ - ۱۰۲.
۴۳. حسین یکتا؛ سازمان ملل متحد؛ پیشین، ص ۱۰۱.
۴۴. همان، ص ۱۰۵.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

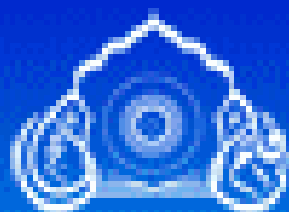
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰  
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنمایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

